

در حاشیه شرکت نماینده افغانستان در اجلاس مشورتی سوریه در تهران

در روز نهم اگست، نمایندگان تعدادی از کشورها در " اجلاس مشورتی تهران " به منظور یافتن راه حلی برای بحران سوریه شرکت کردند . افغانستان نیز یکی از کشورهای شرکت کننده در این اجلاس بود. اقدام تهران از برگزاری این نشست، در واقعیت امر واکنشی بود به برگزاری نشست هایی با عنوان "کنفرانس دوستان سوریه" که به ابتکار امریکا، غرب، ترکیه و کشورهای عرب منطقه صورت گرفته بود. در اجلاس متذکره نماینده اپوزیسیون سوریه و هم چنان کشورهای دیگر تأثیرگذار بر اوضاع سوریه شرکت نداشتند؛ حتی روسیه ، که از دوآتشه ترین دوستان رژیم دمشق است ، وزیرخارجة خویش را به این اجلاس نفرستاد و نمایندگی آن کشور درین اجلاس را سفیر آن کشور در تهران به عهده داشت. تنها سه کشور ، پاکستان ، زیمبابوه و عراق در سطح وزرای خارجه شرکت کردند و تعداد معدودی از کشورها هم نمایندگانی به آن فرستادند. با توجه به رقابت های منطقه یی، برگزاری چنین جلسه یی از طرف جمهوری اسلامی ایران سوال بر انگیز نیست. اما آنچه به پیدایش پرسشی زمینه می دهد، دریافت هدف جمهوری اسلامی افغانستان است. نتیجه نگاه شتابناک و مختصری را که پیرامون دریافت این انگیزه داریم ، مطرح می کنیم :

بیشتر از بیست ماه از شروع اعتراضات مردمی در سوریه می گذرد که در ابتدا شکل راه پیمایی مسالمت آمیزداشت ، ولی اکنون به خیزش همگانی تبدیل گردیده و یکی از خونبارترین وقایع و تراژیدی های قرن بیست و یک را به نمایش گذاشته است. در یک سومردمی قرار دارند که آزادی و عدالت می خواهند که حق مسلم شان است. هر چند از موجودیت نیروهایی نیز نمی توان چشم پوشید که نه با عدالت بلکه به تداوم استبداد اما در کسوت دیگری پیوند دارند.

طرف دیگری آماج حملات، رژیم بشاراسد است، که ریاست جمهوری را از پدرش ، حافظ الاسد به ارث برده است. او به عوض گردن گذاشتن به خواست های برحق مردم راه مقابله و سرکوب را درپیش گرفت. معترضان را تروریست و عوامل خارجی نامید، تا به این بهانه سرکوب های خونین مردم خودش را توجیه نماید ، به حمله نظامی تمام عیار روی آورد و با تمام نیروی نظامی و دسته های پولیس و اوباشان لباس شخصی تحت فرمان خود ، با سلاح های سبک و

سنگین و نیروی زمینی و هوایی علیه مردم یورش برده است. در نتیجه تا به حال ، قرارآمارمنتشره رسانه ها ، بیش از بیست هزار کشته و چندین ده هزار آواره برجا گذاشته است.

به رغم همه خشونت‌های که این رژیم دسركوب مخالفین به کار می برد، شمارش معکوس سقوط اش آغاز گردیده و دیگرقادر نیست روی پا بایستد. انفجاردرمرکز ریاست امنیت ملی سوریه و قتل مهره های کلیدی آن ، فرارنظامیان و نخست وزیر آن کشور و پیوستنش به مخالفین و گسترش جنگ به شهرهای بزرگ ؛ رژیم خاندان اسد را به نزدیکی های پرتگاه رسانیده است. از اوضاع معلوم میشود که وعده های رژیم به مردم ، به مثابه آخرین تلاش های مذبحخانه ، دیگر تاریخ مصرف خویش را سپری کرده است.

وقایع بیش از یکسال دسوریه از ابعاد متفاوت تر آن به بقیه کشورهای متأثر از " بهار عربی " خبر میدهد. یکی از ابعاد آن دوام جنگ و خشونت‌های است که اکنون به قلمرو سوریه محدود نمی شود. بعد منطوقی و جهانی آن بیشتر از پیش چهره می نمایند و قطب بندی جدیدی را در سطح جهانی به نمایش می گذارد. دریک طرف روسیه ، چین ، جمهوری اسلامی ایران و حزب الله لبنان؛ و در طرف دیگر امریکا ، غرب ، ترکیه و کشورهای عرب منطقه، صف آرایی نموده اند. این بعد بین المللی و رقابت کشورهای ذینفع ، هرروز از مردم سوریه قربانی می گیرد و هر روز تعداد بیشتری را راهی دیار هجرت می نماید. به بیان دیگر ، دولت های ذینفع مشغول توطئه گری و سازمان دادن گروه های مسلح وابسته به خود هستند و دخالت هیچ کدامی ازین دولت ها برای خیر خواهی مردم سوریه نیست. دولت های حامی بشار اسد در تلاش اند تا به هر قیمتی که میسر است، از فروپاشی رژیم در دمشق جلوگیری نمایند و دولت های مخالف بشار اسد خواب های جایگزینی رژیم او را با رژیم دلخواه و دست نگر خود، می نگرند. ادامه بحران و هیزم آوری کشورهای رقیب ، زمین سوریه را به میدان جنگ نیابتی بین آن کشورها مبدل کرده که یکی از پیامدهای احتمالی آن تجزیه سوریه خواهد بود. از جمله کشورهای متحد استراتژیک سوریه ، یکی هم جمهوری اسلامی ایران است که نیروهای زیادی را به سوریه گسیل کرده تا علیه مخالفین بشار اسد بجنگند. اجلاس سوریه در تهران نیز به منظور نجات رژیم بشار اسد تشکیل گردید.

با تمهید بالا ، اشتراک نماینده افغانستان درین اجلاس ، نشانه سیاست فعال خارجی و تأثیرگذار کشور نیست، بلکه نشانه ضعف و نداشتن خطوط روشن درسیاست خارجی دولت آقای حامد کرزی است. نشانه دست نگری و مصلحت گرایی و واکنش های نادقیق به مسایل منطقه و جهان. همگرایی با سیاست های تک روانه جمهوری اسلامی است که کشور ما را به طرف چنان صف آرایی ها و به ویژه در

کنار جمهوری اسلامی می برد. واین سیاست اشتباه آمیز به نفع افغانستان نیست.

گرچه که اجلاس تهران ، کوچک ترین تأثیری بر اوضاع سوریه نداشت و ندارد، اما تلاش تهران برای خریدن مشروعیت برای رژیم درحال احتضاری که دستش به خون ملت رنگین است، و شرکت نماینده افغانستان در آن اجلاس ، پاشیدن نمک به زخم های خونین مردم سوریه است. اگر دولت افغانستان سیاست روشن و بیطرفی را دنبال می کرد، بهترین موقف این بود که از شرکت در این نشست معذرت می طلبید. ولی از قراین آشکار است که نفوذ جمهوری اسلامی ایران در چنان سطحی است که آقای رئیس جمهور ما توانایی معذرت خواهی را ندارد.